یادداشت

رنج‌های فرانسه

علیرضا باقری ده‌آبادی

با انتشار خبر اقدام ژاک شیراک در لغو بند ۸ قانون جدید «فرصت‌های برابر» در فرانسه موسوم به CPE انتظار می‌رود ناآرامی‌های دو ماه گذشته در این کشور فروکش نماید. با این وجود بسیاری از تحلیلگران سیاسی همچنان معتقدند بنای این عقب‌نشینی اضطراری آنچنان مستحکم نیست که بتوان همه چیز را در این کشور پایان‌یافته حساب کرد. دومینیک دوویلپن نخست وزیر فرانسه در آغازین روزهای تظاهرات در واکنش به اظهارات رهبران گروه‌های مخالف، قاطعانه اعلام داشت: «دولت در این مورد ذره‌ای عقب‌نشینی نخواهد کرد». این اظهارات صریح اگرچه موجب خشم گروه‌های معترض شد و به وسعت ناآرامی‌های اجتماعی افزود، اما آگاهان سیاسی به خوبی به دلایل چنین اظهاراتی واقف بودند و حتی دوویلپن را واجد آنچنان تجربه‌ای می‌دانستند که با یادآوری بحران سال ۱۹۹۵ فرانسه خواهد توانست از تکرار یک حادثه تلخ مشابه دیگر جلوگیری کند. در سال ۱۹۹۵ که «آلن ژوپه» تازه به سمت نخست‌وزیر فرانسه انتخاب شده بود، خبر از سلسله اصلاحات عمیق اجتماعی داد که کوچک کردن شبکه به‌شدت بدهکار حمل و نقل ریلی دولتی و کاهش مزایای اجتماعی در بخش دولتی از جمله آنها به شمار می‌رفت. اما فرجام کار بسیار متفاوت‌تر از آنچه بود که گلیست‌ها تصور می‌کردند. فرانسه هفته‌ها شاهد تظاهرات و اعتصابات فلج‌کننده شد و شدت ناآرامی‌ها هنگامی فروکش کرد که ژوپه به‌عنوان منفورترین سیاستمدار آن زمان از مقام خود کناره گرفت. در آن زمان دومینیک دوویلپن مشاور ژاک شیراک بود و برای خاتمه دادن به وضعیت ناآرام کشور به رئیس‌جمهور پیشنهاد کرد انتخاب زودهنگام در فرانسه برگزار شود. به این ترتیب قاطعانه می‌توان گفت شیراک و دوویلپن هر دو به تبعات احتمالی تصویب چنین قانونی که به نوشته روزنامه «پاریزین» دوسوم مردم تقاضای لغو آن را داشتند، مطلع بودند و در خوشبینانه‌ترین تحلیل باید گفت گره کور سیاست موجب شد این بار اصلاحات ضروری در بازار کار فرانسه به تاخیر افتد و دولت به اجبار قانون خود را استرداد کند. به همین دلیل اعتقاد بسیاری از کارشناسان بر این واقعیت متمرکز است که این اتفاق برای کشوری چون فرانسه که از نرخ ۱۱ درصدی بیکاری در رنج است، هیچگاه به معنای تجدیدنظر در اصل قانون (چاره‌اندیشی برای جوانان بیکار) نخواهد بود. در شرایط حاضر با نزدیک شدن دو انتخابات سرنوشت‌ساز در فرانسه (ریاست جمهوری و پارلمانی) هیچکدام از احزاب عمده این کشور در خصوص موضوع بسیار حساس «بازار کار» حاضر نیستند حتی در شعارهای تبلیغاتی تحرک چشمگیری را از خود نشان دهند. چرا که این‌بار هم سوسیالیست‌ها و هم حزب راستگرای حاکم به خوبی می‌دانند که وضعیت فرانسه در اروپای واحد فارغ از دلبستگی‌های سنتی این کشور، کاملاً با گذشته تفاوت دارد و هرگز نمی‌توان صرفاً با اتکا بر قابلیت این کشور به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ اروپا چشم خود را بر روی واقعیت‌های عینی این کشور ببندند. هم اینک براساس گزارش وزارت کار کشور فرانسه بیش از ۲۳/۳ درصد جوانان زیر ۲۵ سال این کشور بیکار هستند و تاکنون ۴۳ درصد جوانان بین ۲۵ تا ۲۹ سال فرانسوی، حداقل سه‌بار شغل خود را تغییر داده‌اند. این اعداد اگرچه بیانگر نارسایی در سامانه‌های اقتصادی کشور فرانسه است اما در واقع می‌تواند هشداری به مقامات این کشور باشد که فرانسه در وضعیت عادی قرار ندارد. در این رابطه اگرچه تاکنون در خصوص مفاد پیشنهاد جدید دولت مطلبی منتشر نشده ولی گفته می‌شود دولت فرانسه در قالب این طرح جدید اعلام کرده است تا پایان سال جاری میلادی ۱۵۰ میلیون یورو به شرکت‌هایی که آمادگی جذب جوانان بیکار فاقد تخصص را داشته باشند کمک مالی می‌کند. در حقیقت این مسئله که دولت فرانسه به‌رغم تنگناهای اقتصادی، حاضر شده برای جذب جوانان بیکار راساً دخالت نموده و سیاست‌های تکلیفی ـ تشویقی را اجرا نماید به خوبی نشان‌دهنده عمق بحرانی است که در این کشور وجود دارد. حتی در بیانیه عقب‌نشینی کاخ الیزه گلیست‌های حاکم با جایگزینی بندی تحت عنوان «دولت به جوانان مشکل‌دار کمک می‌کند»، اعتراف کردند که معضل اشتغال همچنان مهمترین دغدغه آنها به شمار می‌رود. از سوی دیگر متعاقب فضای به وجود آمده در فرانسه و انفعال معنادار احزاب چپ در بهره‌برداری از این حوادث، برخی تحلیلگران را بر آن داشت تا با مقایسه ناآرامی‌های اخیر فرانسه و آشوب‌های خیابانی شش‌ماه پیش این کشور که ناشی از برخورد تبعیض‌آمیز با مهاجرین و ساکنین حاشیه شهرها بود، هر دو رویداد را کاملاً در جهت اهداف سیاسی حزب دست راستی و به‌ویژه حزب حاکم ump و چهره شناخته‌شده‌ای چون «نیکولا سارکوزی» وزیر کشور فرانسه ارزیابی نمایند. اما ناآرامی‌های اخیر و نقش سارکوزی در کنترل و خواباندن آن، به اندازه‌ای دارای اهمیت بود که دوویلپن تنها به‌عنوان نخست وزیر از وزیر خود ستایش نکرد. بلکه ترجیح داد با درک اوضاع وخیم کشور با عبارت «رقیب انتخاباتی» از سارکوزی برای تقدیر نام ببرد. به عبارتی وضعیت موجود در فرانسه به اندازه‌ای از پتانسیل ناآرامی برخوردار است که حتی رقبای انتخاباتی نیز حاضر نیستند یکدیگر را در این حوزه به چالش بکشند. مضافاً به اینکه جنس افراد و گروه‌های شرکت‌کننده در ناآرامی‌های اخیر به مراتب با شورش‌های چند ماه پیش فرانسه تفاوت داشت. در این رابطه صرف نظر از شرکت گروه‌های صنفی کارگری در تظاهرات اخیر، قریب ۵۰ دانشگاه در سراسر فرانسه دست به اعتصاب زدند و دانشگاه سوربن صحنه خشن‌ترین حوادث پس از بحران سال ۱۹۶۸ شد. «کارتیه لاتین» یا همان محله روشنفکری معروف فرانسه با شهرت جهانی در این روزها همان وضعی را پیدا کرد که سال ۱۹۶۸ شاهد آن بود. دانشجویان اعتصابی سوربن در میان آتش و دود ناشی از شلیک گازهای اشک‌آور، باتری‌های تلفن همراه به یکدیگر قرض می‌دادند تا ارتباط خود را با خارج از دانشگاه از دست ندهند. با این وجود اگرچه نتیجه این ایستادگی و مقاومت در برابر دولت، مانند رویداد ماه مه ۱۹۶۸ موجب تغییرات پایدار در جامعه فرانسه نشد، ولی یک‌بار دیگر این واقعیت نضج گرفت که سابقه نفوذ افکار چپ در فرانسه، همواره مانع از تحقق سریع اصلاحات بنیادین مشابه انگلستان می‌شود. واقعیتی که تصمیم‌گیری را برای سیاستمداران این کشور در آینده فوق‌العاده دشوار کرده است.

گفت‌وگوی سرویس جهانی بی‌بی‌سی با رئیس سابق موساد

اعترافات رئیس جاسوسان

ترجمه: زهرا پویان‌فر

بخش اول

افریم هالووی به مدت ۵ سال ریاست سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) را بر عهده داشته است، سازمانی که یکی از درنده‌ترین و بی‌رحم‌ترین سازمان‌های جاسوسی جهان به شمار می‌آید. در این مدت موساد قتل رهبران حماس و تحقیر یاسر عرفات را برنامه‌ریزی می‌کرد. او بهتر می‌تواند آینده درگیری حماس و اسرائیل را در شرایط پس از انتخابات اسرائیل ارزیابی کند. ولی وقتی او از صلح سخن می‌گوید نباید در ارزیابی این حرف دچار اشتباه شد زیرا شعار همیشگی اسرائیل جنگ از طریق خدعه و نیرنگ است.

■ ■ ■

■آقای هالووی! موساد سازمان بی‌رحمی است ولی شما در گفت‌وگویی اخیراً گفتید که سرویس اطلاعاتی اسرائیل وقت زیادی را در جست‌وجوی راه‌حل‌های صلح‌آمیز صرف کرده است. قتل یک پیرمرد ۶۸ ساله و نابینا که بر روی صندلی چرخدار قرار داشت ـ مقصودم رهبر معنوی حماس است- چه تناسبی با جست‌وجوی راه‌حل‌های صلح‌آمیز دارد؟

بگذارید بگویم که قتل رهبر حماس و سایر قتل‌های غیرنظامیان کار موساد نبوده است.

■شما در کتابتان گفته اید که این قتل کار موساد بوده است؟

نه من چنین چیزی نگفته‌ام بلکه گفته‌ام که کار جامعه اطلاعاتی اسرائیل بوده است که این خود داستان متفاوتی دارد.

■این کار چه هدفی را دنبال می‌کرد؟

آن موقع زمان جنگ بود و این مرد رهبر یک سازمان تروریستی بود. او راساً در برنامه‌ریزی حملات علیه غیرنظامیانی که هیچ ارتباطی با جنگ نداشتند دست داشت. آنها جنگجو نبودند و بنابر این او جزیی از کسانی محسوب می‌شد که حملات علیه زنان و کودکان بی‌گناه را طراحی و اجرا می‌کردند.

■فکر می‌کنم پرسش این است که شما با در هم کوبیدن خشونت در واقع خشونت را ریشه‌کن نمی‌کنید بلکه به خشونت‌ها دامن می‌زنید. از خود می‌پرسم روزی که شیخ یاسین را کشتید چند بمب‌گذار انتحاری را به خدمت گرفتید؟

می‌دانم که پاسخ دادن به این پرسش دشوار است و در تحلیل نهایی هیچ کسی نمی‌داند و نمی‌تواند بگوید آیا حذف فیزیکی کسانی که بمب‌گذاران انتحاری را به ماموریت در اسرائیل می‌فرستادند در حفظ جان افراد بی‌گناه مؤثرتر بود یا اگر ما این کارها را نمی‌کردیم. فکر می‌کنم هیچ کس به راحتی نمی‌تواند بگوید که اگر اسرائیل دست به این کارها نمی‌زد جان افراد حفظ می‌شد. فکر می‌کنم عکس این مطلب صحیح است.

■البته سبک و سنگین کردن و محاسبه میزان سرکوبی که شما به کار می‌برید تا بتوانید وضعیت را کنترل کنید و میزان نتیجه‌ای که حاصل می‌شود کار دشواری است. برخی معتقدند که دولت اسرائیل با کارهای خودش موجب شد که حماس به قدرت برسد از جمله با تحقیر عرفات و با مجازات جمعی جنبش فتح و سلب اختیارات از آن. شما با این دیدگاه موافقید؟

به هیچ وجه. من فکر می‌کنم آنچه در اردوگاه فلسطینی اتفاق افتاد نتیجه تحولات داخلی اردوگاه فلسطینی بود. فکر می‌کنم نباید اسرائیل را مسئول رویدادهایی دانست که در طول سال‌های متمادی در اردوگاه فلسطینی شکل گرفته است. فلسطینی‌ها جامعه خود را داشتند، آنها مردم خود را داشتند و مردمشان به تدریج نظام حکومتی و نظام قوانین خود را شکل می‌دادند و به آنها اجازه داده شد حکومت مستقل داشته باشند ولی متأسفانه نشان دادند که لایق آن نیستند. متأسفانه خود عرفات هم لایق این نبود و او نتوانست حکومت شایسته‌ای داشته باشد.

■شما باعث شدید که او نتواند آن طور که باید عمل کند و کاملاً خوشحال بودید از اینکه با کسی طرف هستید که نمی‌توانید با او معامله کنید.

نه به هیچ وجه. فکر می‌کنم ما تلاش کردیم با او معامله کنیم. ما تلاش کردیم در اسلو و در موارد دیگر با او معامله کنیم ولی او کسی بود که امکان معامله با او وجود نداشت. او بی‌وقفه و بی‌اختیار دروغ می‌گفت و دوپهلو سخن می‌گفت.

■به شیخ یاسین برگردیم. آیا شما از این مرد نابینای ۶۸ ساله یک شهید نساختید؟ این شما نبودید که با این کار موجب محبوبیت بیشتر حماس شدید. آیا نمی‌توان گفت این اقدام حداقل تا حدودی در به قدرت رسیدن حماس نقش داشت و اکنون شما مجبورید با حماس معامله کنید؟

فکر می‌کنم نباید به یک عملیات خاص این قدر بها بدهید.

■یک عملیات نبود بلکه موارد بسیاری بود. مگر چند قتل اضافی لازم است؟

مقصود من این است که ما نباید تنها بر یک عملیاتی که انجام شده است متمرکز شویم. او رهبر جریان بود و باید حذف می‌شد و شد. من نمی‌دانم که اگر او حذف نشده بود چه اتفاق می‌افتاد. جالب است که در سال ۱۹۹۷ من یکی از کسانی بودم که موجب آزادی او از زندان شدم.

■برای این کار تاسف می‌خورید؟

نه تاسف نمی‌خورم.

■همچنین تاسف نمی‌خورید که او کشته شد؟

نه برای این تاسف می‌خورم که او را آزاد کردم و نه برای آنچه که بعداً اتفاق افتاد. او در یکی از زندان‌های اسرائیل بود و در نتیجه یک اقدام ابتکاری اسرائیل آزاد شد و کار من بخشی از این اقدام بود. او پس از آزاد شدن به غزه رفت و در آنجا فرصت آن را داشت که نقش متفاوتی ایفا کند ولی این کار را نکرد.

■این سئوال برای من پیش می‌آید که کشتن افراد به مثابه یک عمل سیاسی تا کجا مشروعیت دارد. من در روزنامه ساندی تلگراف خواندم که شما گفته اید: اگر حماس با آتش‌بس دائمی موافقت نکند ما ناگزیریم رهبری دیگری ایجاد کنیم همان‌طور که با شیخ یاسین عمل کردیم. این تهدید به کشتن رهبران فلسطینی است.

نه این نقل قول از سخنان من دقیق نیست و فکر نمی‌کنم اسرائیل قادر باشد در داخل اردوگاه فلسطینی یک رهبری ایجاد کند.

■پس از شما نقل قول بد شده است؟

بله همین‌طور است من این را نگفته‌ام و کار ما کشتن افراد نیست.

■ولی عملاً می‌کشید.

نه این طور نیست. تنها کاری که اسرائیل گهگاه انجام می‌دهد حذف افرادی است که تهدید آنی برای زنان و کودکان و مردم بی‌گناه هستند و شهروندان غیرمسلح را هدف عملیات تروریستی قرار می‌دهند.

■ولی همه رهبران حماس که این گونه نیستند و دستشان آلوده نیست؟

به راحتی نمی‌توان گفت که چه کسی دستش آلوده است و چه کسی نیست. باید ببینیم این حرف را با چه معیاری می‌زنیم.

■اگر حملات انتحاری ادامه می‌یافت آیا کشتن رهبران سیاسی حماس مشروعیت داشت؟

فکر می‌کنم مانع شدن از انجام عملیات تروریستی و انتحاری مشروعیت دارد. بنابر این اگر دوباره شرایطی ایجاد شود که بار دیگر حملات علیه اسرائیل از سر گرفته شود و افراد بی‌گناه هدف قرار گیرند ما به هر وسیله ممکن جلوی این کار را خواهیم گرفت.

■یعنی از جمله حذف فیزیکی آن افراد؟

بله. از جمله ناتوان کردن آن افراد از انجام عملیات.

■اسرائیل می‌گوید که نمی‌تواند با حماس معامله کند. فکر می‌کنید واقعاً نمی‌تواند یا چون حماس یک گروه کوچک بیش نیست؟

فکر می‌کنم حماس گروهی است که بسیار بسیار خوب سازماندهی شده است و صرفاً یک گروه بی‌اهمیت نیست. آنها در ۱۹ سال گذشته موفقیت‌ها و دستاوردهای بسیاری داشته‌اند و طی این ۱۹ سال به قدرت رسیده‌اند. آنها بخشی از اخوان‌المسلمین در عرصه جهانی محسوب می‌شوند، یعنی اولین بخشی که در داخل یک دولت عربی به قدرت دست می‌یابد.

■آیا آنها قادرند قدرت را به صورت معقول، کنترل شده و خلاق اعمال کنند؟

پاسخ این سئوال آن است که من نمی‌دانم و فکر می‌کنم هیچ کس دیگری نیز نمی‌داند و حتی مطمئن نیستم که آنها خود نیز بدانند. آنها خودشان از پیروزی عظیم خود شگفت زده شدند و فکر می‌کنم اکنون آنها باید تصمیم خود را بگیرند که آیا می‌خواهند به خشونت‌ها ادامه دهند یا می‌خواهند خط مشی متفاوتی در پیش گیرند. زیرا آنها اکنون در قدرت هستند.

■ولی آنها در وضعیت دشواری قرار گرفته‌اند. اگر با آنها گفت‌وگو نشود و اگر ایهود اولمرت در اقدامی که در صدد انجام آن است یعنی ایجاد حصار در برابر فلسطینی‌ها موفق شود، انتظار دارید آنها چه کار کنند؟ فکر می‌کنید آنها عقب می‌نشینند و در پشت دیوار آرام می‌گیرند؟

ایهود اولمرت این را نمی‌گوید بلکه چیز دیگری را می‌گوید البته تا آنجا که من می‌دانم. اولمرت می‌گوید بسیار خوب، اکنون حماس به قدرت رسیده است ولی باید تصمیم بگیرد که کدام راه را انتخاب می‌کند. اگر آنها می‌خواهند بیایند و مذاکره کنند پس باید مانند یک طرف مذاکره رفتار نمایند. آنها باید مشروعیت طرف مقابل را که می‌خواهند با آن مذاکره کنند به رسمیت بشناسند.

■اگر نکردند راه‌حل چیست؟

اگر آنها مشروعیت ما را به رسمیت نشناسند در این صورت هیچ دلیلی نیست که ما مشروعیت آنها را به رسمیت بشناسیم.

■بعد چه می‌شود؟

در این صورت اولین و مهم‌ترین کاری که انجام می‌دهیم این است که به شیوه مناسبی امنیت خودمان را تامین کنیم.

■آیا برای تامین امنیت بهتر است دیوار بکشید یا زمین‌ها را اشغال کنید یا شاید هر دو؟

دلیل اینکه دیوار کشیده‌ایم، نه دیوار بلکه باید گفت نرده...

■بگویید دیوار نه نرده.

نه خیر نرده.

■بخشی از آن دیوار است. یک دیوار بسیار بزرگ.

برخی آن را دیوار می‌نامند و برخی نرده.

■بخشی از آن دیوار است و بخشی نرده.

درست است.

■این یادآور دیوار برلین است که میان آلمان شرقی و غربی کشیده شده بود؟

فکر نمی‌کنم این دو وضعیت قابل مقایسه باشند. هدف دیوار آلمان جدا کردن سیاسی دو بخش از یک ملت در داخل آلمان بود. ولی هدف این دیوار یا بهتر بگویم نرده جلوگیری از نفوذ تروریست‌ها به داخل اسرائیل است.

■پس شما هم کلمه دیوار را به کار می‌برید. حتماً لغزش زبانی است؟

همه ما لغزش زبانی داریم. خیلی به این بها ندهید.

■من از شما درباره اشغال زمین‌ها پرسیدم. با این دیواری که شما می‌کشید بنابر گزارش سازمان ملل ۱۰ درصد اراضی فلسطینی در سمت اسرائیل قرار می‌گیرند و ۵۰۰ هزار فلسطینی از بقیه جدا می‌شوند. فکر نمی‌کنید با این کار زمینه را برای ادامه درگیری‌ها به مدت چند قرن دیگر فراهم می‌کنید؟

ولی راه‌حل جایگزینی نیز هست و آن مذاکرات هدفمند و رسیدن به یک تفاهم است.

■ولی شما که قرار نیست دیواری را که کشیده‌اید خراب کنید.

گفتم که آنها راه‌حل دیگری نیز دارند و این راه‌حل جایگزین انجام مذاکره است. برای اینکه بتوان مذاکره کرد مذاکرات باید به درستی انجام گیرد و برای این کار باید حداقلی از احترام مقابل وجود داشته باشد و باید وضعیتی به وجود بیاید که هر دو طرف تصمیم‌های دردناکی بگیرند و هر دو طرف باید امتیازات دردناکی به طرف مقابل بدهند و از برخی از رویاهای خود کوتاه بیایند. همان‌طور که ما از رویای اسرائیل بزرگ دست کشیدیم آنها هم باید از رویای نابودی اسرائیل دست بکشند.

■بسیار خوب. فرض کنید آنها این رویا را کنار گذاشتند زیرا این در واقع رویایی بیش نیست و تا جایی که من می‌دانم حماس نه نیروی هوایی دارد، نه هواپیما و نه حتی فرودگاه. بنابر این آرزوی نابودی اسرائیل تنها به یک داستان تخیلی می‌ماند. به هر حال اگر چنین کردند در عوض چه چیزی دریافت خواهند کرد؟

دست کشیدن از این رؤیا برای حماس کار آسانی نیست. اگر شما به مدارسی که تحت مدیریت حماس هستند سر بزنید و به کتاب‌های درسی آنها نگاه کنید می‌بینید که مثلاً در کتاب جغرافی اثری از اسرائیل نیست. در نقشه‌ها هم همین‌طور است.

■ممکن است با من موافق باشید که یک مرد اطلاعاتی خوب مانند یک ژنرال ارتش است و باید به درون ذهن مخالفش نفوذ کند.

درست است.

■آیا تاکنون تلاش کرده‌اید به درون ذهن یک بمب‌گذار انتحاری نفوذ کنید و فکر کنید که چه عاملی موجب می‌شود او به چنین کارهایی دست بزند؟

بله.

■آنجا چه می‌بینید؟

حرارت و تب بسیار عمیق مذهبی را می‌یابم و این عقیده جزمی را می‌یابم که هر قدر بیشتر آدم بکشی به بهشت موعود نزدیک‌تر می‌شوی و راستی این را هم بگویم کسانی که بمب‌گذاران انتحاری را به عملیات می‌فرستند فرزندان خود را برای این کار نمی‌فرستند.

■شما در ذهن آنها ناکامی، خشم و ناامیدی نمی‌بینید؟

چرا. ناامیدی و ناکامی را می‌بینم ولی این اندیشه را هم می‌بینم که هر قدر بیشتر آدم بکشی به هدف مقدس خود بیشتر خدمت کرده‌ای.

■بگذارید به عرفات برگردیم. شما در کتابتان چندان نظر مثبتی به او نداشتید و این صرفاً ریشه سیاسی ندارد بلکه ریشه شخصی دارد. شما از او متنفر بودید مگر نه؟

من از او متنفر نبودم. من از او ناامید شده بودم. زیرا او که رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین بود به گونه‌ای عمل کرد که متناسب با آن موقعیت نبود.

■من کلماتی را که به کار برده‌اید به خاطر دارم از جمله: او بی‌اختیار دروغ می‌گفت. به عهد و پیمانش وفادار نبود. حتی رهبران عرب هم به او اعتماد نداشتند.

بله کاملاً درست است. من با بسیاری از رهبران عرب دیدار کردم و هیچ یک از آنها را نیافتم که چیز خوبی درباره او بگوید.

■برای مثال بگویید آنها چه گفته‌اند؟

من نمی‌خواهم از کسی نام ببرم و بی‌مورد حساسیت ایجاد کنم. ولی می‌توانم بگویم که اگر با رهبران عرب دیدار کنید و حتی کسانی که امروز سر کار هستند حتی یکی از آنها را هم نمی‌یابید که چیز خوبی برای گفتن درباره او داشته باشد. فکر می‌کنم این افراد از عرفات رنجش داشتند زیرا او باعث دستپاچگی و آشفتگی آنها می‌شد. برای نمونه مبارک را در نظر بگیرید. در سال ۱۹۹۴ وقتی در قاهره مبارک می‌کوشید تا یک توافقنامه اضافی میان اسرائیل و فلسطینی‌ها امضا شود عرفات در برابر آن همه دوربین از سراسر جهان مبارک را دستپاچه کرد و مبارک چنان خشمگین شد که همه متوجه شدند. عرفات به راحتی کسی را که این همه مدت از او حمایت کرده بود تحقیر کرد.

■ولی شما هم رئیس‌جمهور آمریکا را تحقیر کردید، با عقب‌نشینی از توافقنامه کمپ دیوید و موارد مشابه.

نه این طور نیست.

■راستی چرا این کار را کردید؟

چرا؟ این سئوال را نخست باید از فلسطینی‌ها بپرسید نه از من. اما اگر ارزیابی من را بپرسید فکر می‌کنم او اراده یا تمایل لازم برای رسیدن به توافق با اسرائیل را نداشت.

■حتماً در مورد نقشه راه هم همین نظر را دارید. نقشه راه مرده است مگر نه؟

در حال حاضر فکر نمی‌کنم که نقشه راه عملی باشد. زیرا نقشه راه به راه‌حل‌های دائمی میان اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها می‌پردازد...

■سازمان ملل، اتحادیه اروپا، ایالات متحده و روسیه در این نقشه راه دخالت داشتند. آیا جهان حق ندارد در شرایطی که شما نتوانسته‌اید پس از ۶۰ سال به یک راه حل برسید راه‌حلی برای قضیه اعمال کند.

مسئله این نیست که آیا جهان چنین حقی دارد یا نه. بلکه مسئله این است که آیا راه‌حل ارائه شده می‌تواند مؤثر باشد یا خیر. فکر می‌کنم راه‌حلی که از بیرون اعمال شود نمی‌تواند دوام بیابد.

■ولی راه‌حل ایهود اولمرت هم نمی‌تواند موثر باشد.

همین‌طور است. من هم فکر نمی‌کنم راه‌حلی که از سوی اسرائیل تحمیل شود می‌تواند برای مدت طولانی دوام بیاورد. در حال حاضر ما در جست‌وجوی یک راه‌حل موقتی هستیم تا زمانی که یک رهبری شایسته برای مذاکره در طرف مقابل سر کار آید.

■ولی دیوار مانع از این کار خواهد بود.

نرده‌ها را می‌توان برچید. همیشه نرده‌ها قابل برچیدن هستند.

■شما در مورد حضور آمریکایی‌ها در عراق مطلب نوشته‌اید. شما گفته‌اید که اکنون فرصت خوبی پیش آمده است که آمریکایی‌ها بتوانند برای مدت طولانی در منطقه باقی بمانند زیرا حتی عربستان و چاه‌های نفت هم توسط القاعده تهدید می‌شود. یعنی فکر می‌کنید آمریکایی‌ها باید بیایند و از نرده‌ها و دیوارها و از همه چیز مراقبت کنند؛

امیدوارم این طور نباشد.

■دیوانگی است مگر نه؟

امیدوارم این طور نباشد.

■پس این فکر مال چه کسی است. نومحافظه‌کاران آمریکا؟

آنچه من فکر می‌کنم این است که اگر به هر دلیلی شرایط در خاورمیانه وخیم‌تر شود و روند فعلی ادامه یابد و مشکلاتی که در عراق به وجود آمده در جاهای دیگری هم به وقوع بپیوندد در این صورت نه تنها آمریکا بلکه کل غرب باید قدم به داخل بگذارد. زیرا اگر چنین نکنند نتایج وحشتناکی را شاهد خواهند بود. اقتصاد بین‌المللی سقوط خواهد کرد و جامعه جهانی و آزادی جهان غربی در معرض خطر قرار خواهد گرفت.

گزیده پاسخ‌ها

۱- قتل رهبر حماس و سایر قتل‌های غیرنظامیان کار موساد نبوده است، بلکه کار جامعه اطلاعاتی اسرائیل بوده است که این خود داستان متفاوتی دارد.

۲- او راساً در برنامه‌ریزی حملات علیه غیرنظامیانی که هیچ ارتباطی با جنگ نداشتند دست داشت. آنها جنگجو نبودند و بنابر این او جزیی از کسانی محسوب می‌شد که حملات علیه زنان و کودکان بی‌گناه را طراحی و اجرا می‌کردند.

۳- نباید اسرائیل را مسئول رویدادهایی دانست که در طول سال‌های متمادی در اردوگاه فلسطینی شکل گرفته است.

۴- تنها کاری که اسرائیل گهگاه انجام می‌دهد حذف افرادی است که تهدید آنی برای زنان و کودکان و مردم بی‌گناه هستند و شهروندان غیرمسلح را هدف عملیات نظامی خود قرار می‌دهند.

خبرها

ادامه تنش میان چک و کوبا

ایلنا: عدم تمدید ویزای یک دیپلمات جمهوری چک از سوی مقامات کوبایی به اتهام جاسوسی، جمهوری چک را بر آن داشت که به تلافی این اقدام، یک دیپلمات کوبایی را از کشور خود اخراج کند. بی‌بی‌سی گزارش داد: «به دنبال تصمیم دولت جمهوری چک، «مانوئل آنخل بالتار» از مقامات ارشد یک هیات سیاسی کوبایی در چک باید تا ۱۹ آوریل این کشور را ترک کند.» وزارت خارجه چک با اتخاذ این تصمیم، اقدام مقامات کوبایی مبنی بر اخراج مشاور امور سیاسی، فرهنگی چک در کوبا را تلافی کرد. «فیلیپه پرز» وزیر خارجه کوبا در رابطه با تصمیم دولت کوبا مبنی بر عدم تمدید ویزای این دیپلمات گفت که «استانیسلاو کازکی» نه تنها برای جمهوری چک بلکه برای آمریکا فعالیت‌های اطلاعاتی و جاسوسی انجام می‌داد. این در حالی است که این دیپلمات اهل چک تمام این اتهامات را رد کرده است. سفارت جمهوری چک تاکید کرد که کوبا به «استانیسلاو کازکی» دیپلمات چک ۷۲ ساعت برای خروج از این کشور مهلت تعیین کرده است. دولت کوبا ویزای این دیپلمات را تمدید نکرده است. وزارت خارجه چک در بیانیه‌ای مراتب اعتراض خود را در مورد این اقدام ابراز کرد و آن را به عنوان اخراج محسوب کرده و تاکید کرد که این اقدام را تلافی خواهد کرد.

تمایل آمریکا به انتقال زندانیان به آلمان

ایسنا: روزنامه دی‌ولت نوشت: دولت آمریکا درصدد انتقال ۱۵ تن از زندانیان مسلمان و چینی دربند زندان گوانتانامو به آلمان است. منابع دیپلماتیک آلمان اعلام کردند آمریکا در این راستا فشارهای زیادی را بر دولت آلمان وارد می‌کند. این در حالی است که دولت آلمان تاکنون با این خواسته آمریکا مخالفت کرده است، البته دولت آلمان تمایلی برای اعلام رسمی این مسئله ندارد. منابع دیپلماتیک آلمان معتقدند: آمریکا، آلمان را کشور مناسبی برای انتقال این زندانیان به این کشور می‌داند چون این زندانیان از مسلمانان چینی بوده و زندانی در ایالت باواریای آلمان وجود دارد که برخی از افراد مشابه در آن محبوسند. روزنامه دی‌ولت آورده است: مخالفت آلمان با این مسئله به این علت است که آلمان نمی‌خواهد روابطش را با چین تیره کند چرا که پکن پذیرش این زندانیان از سوی آلمان را اقدام غیردوستانه می‌داند. آمریکا نیز اعلام کرده است کشورهایی که خواهان نابودی زندان گوانتانامو هستند، باید زندانیان این زندان را در زندان‌های خود بپذیرند.

تظاهرات مخالفان هسته‌ای در فرانسه

فارس: فعالان طرفدار محیط زیست در فرانسه علیه تصمیم دولت این کشور برای تولید نسل جدیدی از رآکتورهای هسته‌ای، تظاهرات کردند. به گزارش آسوشیتدپرس چندین هزار فعال فرانسوی با برگزاری تظاهراتی آرام، در کنار محکوم کردن تصمیم دولت فرانسه برای ساخت رآکتورهای هسته‌ای جدید، به قربانیان فاجعه چرنوبیل در ۲۰ سال پیش ادای احترام کردند. طرفداران محیط زیست در زیر باران در شهر بندری شربورگ و در منطقه‌ای که قرار است اولین مورد از نسل جدید نیروگاه‌های هسته‌ای ساخته شود، گردهم جمع شدند. نسل جدید نیروگاه‌هایی که قرار است ساخته شود، کاراتر و امن‌تر بوده و ضرر کمتری برای محیط زیست دارند اما طرفداران محیط زیست معتقدند این نیروگاه‌ها به خودی خود خطرناک هستند و نیز تلاش برای تولید نسل جدید این نیروگاه‌ها، برای یافتن انرژی‌هایی جایگزین را کندتر می‌کند. فرانسه تنها کشور اروپایی است که پس از فاجعه چرنوبیل در ۲۶ آوریل ۱۹۸۶ هنوز به ساخت نیروگاه‌های اتمی ادامه می‌دهد. این کشور با داشتن ۵۹ نیروگاه هسته‌ای که حدود ۸۰ درصد الکتریسیته آن را تامین می‌کنند، بیشترین وابستگی را به انرژی هسته‌ای دارد. در این حال حدود ۳۰ مورد از نیروگاه‌های قدیمی این کشور نیازمند جایگزینی هستند که قرار است این جایگزینی با تکمیل نیروگاه‌های جدید از سال ۲۰۲۰ آغاز شود.

موانع آمریکا برای نابودی کوکا در کلمبیا

بی‌بی‌سی: دولت آمریکا می‌گوید کشت کوکا در کشور کلمبیا گسترده‌تر از آن است که تاکنون تصور می‌شد. مطالعه‌ای تازه نشان می‌دهد که تلاش‌ها برای نابودکردن کوکا از طریق پاشیدن مواد شیمیایی بر مزارع موفق بوده است. کوکائین از کوکا گرفته می‌شود. اما دولت آمریکا با تعمیم ناحیه مورد مطالعه به مناطق وسیع‌تر متوجه شد که ۲۶ درصد از زمین‌هایی که تازه مورد مطالعه قرار گرفته است نیز زیر کشت کوکا است. این مطالعه همچنین دریافت که تولید نیز گسترده است. خبرنگاران می‌گویند این وضع برای آمریکا که از سال ۲۰۰۰ به این سو چهار میلیارد دلار صرف مبارزه با تجارت کوکائین در کلمبیا کرده است یک خبر بد به حساب می‌آید.

رد اتهامات مظنونان القاعده در اسپانیا

ایسنا: دیوان عالی اسپانیا اتهامات وارده به سه مردی که سال گذشته به عنوان اینکه از اعضای یک گروه وابسته به القاعده هستند و توسط دادگاه بدوی محکوم شناخته شدند را ناکافی خواند و آنها را مستحق زندان ندانست. به گزارش آسوشیتدپرس این سه مرد با نام‌های ادریس شبلی، صادق مریزاک و عبدالعزیز بنیچ به اتهام وابسته بودن به القاعده و دیگر گروه‌های تروریستی به شش تا هشت سال زندان محکوم شده بودند. این سه نفر جزء ۱۸ نفری بودند که سال گذشته به اتهام ارتباط با حملات ۱۱ سپتامبر دستگیر و محاکمه شدند. دادیاران دیوان عالی پس از درخواست استیناف وکلای متهمان پرونده و رسیدگی مجدد به موضوع دعوی به این نتیجه رسیدند که مدارک و ادله کافی برای زندانی شدن این سه نفر وجود ندارد. دادیاران دیوان عالی همچنین محکومیت یکی از مظنونان اصلی این پرونده به نام عماد یاراکس ۴۶ ساله که تبعه اسپانیا و سوری‌الاصل است را ناوارد خواندند. تجدیدنظر درخصوص احکام صادره علیه همه ۱۸ متهم این پرونده ادامه دارد.